



## اشاره:

در سال ۱۳۹۷ بنیاد اندیشه با همکاری دانشگاه‌های ابن سینا و گوهرشاد محفل گرامی‌داشت از مقام فرهنگی و پژوهشی مرحوم بصیراحمد دولت‌آبادی را با حضور شخصیت‌های سیاسی، علمی، فرهنگی، دانشجویان و اقشار مختلف مردم در هتل انترکانتیننتال برگزار کرده بود که در آن برخی شخصیت‌های سیاسی و علمی کابل پیرامون شخصیت فرهنگی و تاریخ‌نگاری زنده‌یاد بصیراحمد دولت‌آبادی سخنرانی کرده بودند. از آنجای که بنا بود این گزارش و سخنرانی سخنرانان محفل در گاهنامه عدالت و امید در همان زمان چاپ و منتشر شود که به دلیل تحولات سیاسی این مأمول محقق نشد. اینک گزارش آن محفل در ویژه‌نامه کنونی منعکس می‌شود.

### عدالت و امید

## بصیراحمد دولت‌آبادی؛ نهال خودروی سنگلاخ‌ها و صخره‌های خشک تاریخ

اولین سخنران برنامه جلال‌ت‌مآب استاد سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری بود که ایشان سخنان خود را در سه بخش درباره کارها و کارنامه‌های دولت‌آبادی ارائه کرد. بخش اول سخنان ایشان درباره «نسبت بین فرهنگ و سیاست» بود. استاد دانش گفت: «فرهنگ از نگاه مصداق همه شاخه‌های علوم، مکتب‌ها و اندیشه‌های فلسفی و دینی، هم‌چنان تکنالوژی، هنر، ادبیات، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، و حتا عادات، سنن، رسم‌ورواج‌ها و کیفیت زندگانی جوامع بشری را شامل می‌شود. اگر در پهلوی فرهنگ تمدن را هم اضافه کنیم، باید گفت که ماندگاری همه جوامع بشری و میزان قوت و ضعف آن‌ها با مطالعه فرهنگ و تمدن به جا مانده از آن‌ها ارزیابی می‌شود و حتا سلسله‌های حاکمان و زمامداران در جوامع بشری، با فرهنگ و تمدن خلق شده در زمانه آنان سنجش می‌شوند.» استاد دانش فعالیت‌های پژوهشی را یکی از مصداق‌های والا و برآزنده فرهنگ در جوامع مختلف دانست و گفت: «کسانی که کار رسانه‌ای و نشراتی می‌کنند، در حقیقت خداوندگاران فرهنگ و آفریدگاران فرهنگ سیاسی یا سیاست فرهنگی‌اند.» هم‌چنان استاد دانش فرهنگ و سیاست را جداناپذیر و فرهنگ را چهره فکری و معنوی سیاست برشمرد و افزود: «و در مقابل، سیاست هم اعمال قدرت است برای تحقق ایده‌های فکری و فرهنگی.» به اعتقاد استاد دانش فرهنگ هم زبان سیاست است. استاد دانش سیاست را مدیون فرهنگ دانست. به گفته ایشان همه انقلاب‌های سیاسی در اول به انقلاب فرهنگی ضرورت داشته‌اند. هم‌چنان استاد دانش سیاست را روند مسلط و ناپایدار برشمرد و برعکس فرهنگ را ماندگار و مانا خواند.

پنج‌شنبه ۱۵ قوس سال ۱۳۹۷، بنیاد اندیشه با همکاری دانشگاه‌های «ابن‌سینا» و «گوهرشاد» محفلی را تحت عنوان «گرامی‌داشت مقام فرهنگی و پژوهشی زنده‌یاد بصیراحمد دولت‌آبادی» در هتل انترکانتیننتال، در کابل برگزار کرد. در این محفل، جلال‌ت‌مآب استاد سرور دانش؛ معاون دوم ریاست جمهوری، دکتر محمدامین احمدی، دین محمد جاوید، دکتر جواد صالحی درباره دولت‌آبادی و کارنامه درخشان وی صحبت کردند.

اجرای این محفل را علی امیری و حسینعلی کریمی به عهده داشتند. برنامه گرامی‌داشت از مقام فرهنگی و پژوهشی دولت‌آبادی با اجرا و مقدمه علی امیری درباره دولت‌آبادی شروع شد.

به گفته وی بصیراحمد دولت‌آبادی مربوط به یک زمانه‌ای بود که در آن زمانه وضعیت فرهنگی و اجتماعی به انحطاط گراییده بود و فرهنگ نفس‌های آخرش را می‌کشید. برعکس همه ما و به رغم نارسایی‌هایی آن روزگار، بصیراحمد دولت‌آبادی هرگز تسلیم این وضعیت نشد، بلکه دست به قلم برد و سعی و تلاش کرد تا از یک‌سو جلو این انحطاط را بگیرد و از سوی دیگر کاروان عدالت‌خواه را نیز که در راستای «انسانی کردن سیاست» قدم برمی‌داشتند، همراهی و هم‌گامی کند. وی افزود: «آنچه که بصیراحمد دولت‌آبادی را از بسیاری معاصرینش جدا می‌کند، تعهد و پایداری مستمر و لاینقطع آرمان عدالت‌خواهی و تلاش و کوشش فرهنگی در این راستا است.» امیری تسلیم نشدن بصیراحمد دولت‌آبادی را به زوال فرهنگی آن روزگار؛ یکی از ویژگی‌های بارز و شاخص شخصیتی و فکری وی دانست و کارهای وی را منحصر به فرد خواند.



بخش سوم سخنان استاد دانش درباره «وضعیت فرهنگ و فرهنگیان امروز کشور» بود. استاد دانش ضمن اشاره به نبود و کمبود امکانات در گذشته و انگیزه و پشت‌کار بالا در وجود فرهنگیان، خلاقیت و دیروز را از نگاه امکانات و دسترسی به وسایل و ابزار فرهنگ‌ساز پر دانست و انگیزه‌ها را مرده و آرمان‌ها را فروخته توصیف کرد. به گفته استاد دانش به رغم دیروز که بخش بزرگی از کارهای فرهنگی به دوش احزاب بود، احزاب سیاسی امروز از فرهنگ و کارهای فرهنگی کناره گرفته‌اند و کم‌ترین کار را هم در این راستا انجام نمی‌دهند. امروز فعالیت‌های احزاب تا سرحد برآورده شدن احتیاجات خود تقلیل یافته است. استاد دانش حاصل تلاش‌های فرهنگی گذشته را با در نظر داشت امکانات محدود و ناچیز آن دوران، از نگاه کمیت و کیفیت قابل توجه و بهتر از امروز بررسی کرد. به گفته ایشان امروز با در نظر داشت امکانات و توقعی که وجود دارد، سطح تولید اندیشه و فکر کاهش یافته است و آن‌گونه که باید، انجام نمی‌شود. به باور استاد دانش «فروخفتن انگیزه‌ها و آرمان‌گرایی‌ها» دلیل این رکود و کاهش است. در اخیر استاد داشت خواستار نشر و باز نشر آثار دولت‌آبادی شد و اظهار کرد که بنیاد اندیشه برای این کار آمادگی کامل دارد. وی از بازماندگان و دوستان دولت‌آبادی خواستار همکاری در این عرصه شد و از آن‌ها خواست آثار دولت‌آبادی را در اختیار بنیاد اندیشه قرار دهند تا این‌که این آثار به شکل خوب و مرغوب چاپ و منتشر شوند.

سخنران دوم محفل دکتر محمدمین احمدی بود. وی دولت‌آبادی را تاریخ‌نگار و روزنامه‌نگاری با خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد دانست و گفت: «تاریخ‌نویسی برای بصیراحمد دولت‌آبادی یک کار منشیانه و ثبت احوال سلاطین و حکام و ساختن یک تاریخ پرشکوه و باستانی برای یک دولت و ملت نبوده، بلکه تاریخ‌نگاری در نگاه بصیراحمد دولت‌آبادی متمرکز به دو محور اساسی بود:

اول؛ افشای اسطوره‌ای بودن و ساختگی بودن تاریخ رسمی کشور و از این جهت به شدت منتقد تاریخ رسمی بود. از همین زاویه نکات اساسی تاریخ رسمی را به انتقاد گرفت...» به گفته دکتر احمدی، دولت‌آبادی معتقد بود که تاریخ سیاسی افغانستان، تاریخ قومی است و اساس این تاریخ قومی را هم سلطه قومی تشکیل می‌دهد. هم‌چنان دکتر احمدی، دولت‌آبادی را راوی دردهای مردم دانست.

به باور ایشان ماندگاری سیاست زمانی تضمین‌شدنی است که چهره فرهنگی به خود بگیرد.

فرهنگ سیاست را انسانی می‌سازد. به تعبیر استاد: «فرهنگ به چهره خشک سیاست طراوت و لطافت می‌بخشد». به باور استاد، جنبش‌هایی به موفقیت انجامیده‌اند که از پشتوانه محکم و استوار فرهنگی برخوردار بوده‌اند.

استاد دانش از استاد مزاری و سیاست ایشان به عنوان نمونه یاد کرد که فعالیت‌های فرهنگی و خیزش‌های فکری و قلمی آن باعث ماندگاری و مانایی آن شد. استاد دانش تبلور این درهم‌آمیختگی فرهنگ و سیاست را در چهره زنده‌یاد بصیراحمد دولت‌آبادی دانست.

بخش دوم سخنان استاد دانش مربوط به «شخصیت فرهنگی و انسانی» بصیراحمد دولت‌آبادی بود. به گفته ایشان دولت‌آبادی به رغم این‌که تحصیلات دانشگاهی منظم نداشت، اما قدرت درک و دریافت وی ستودنی و تحسین‌آفرین بود. خود را با وضعیت وفق می‌داد و با کاروان و رهروان جدید همراه بود. استاد دانش گفت:

«بدون شک، فرهنگیان آن دوره و به خصوص، بصیراحمد دولت‌آبادی؛ نهال‌های خودرویی بودند که در میان سنگ‌لاخ‌ها و صخره‌های خشک و خشن روییده و به درخت‌های تنومند و پرشاخ‌وبرگی تبدیل شدند.» به گفته استاد دانش دولت‌آبادی یک سرباز فرهنگی با آرمان‌ها و ایده‌های سیاسی بود. تبعیض و ستم، محرومیت و نابرابری، رسیدن به برابری و عدالت از جمله مؤلفه‌هایی بودند که باعث شده بودند که او دست به قلم برد و این‌همه را با قلم روایت کند، دردها و زخم‌های مردم خود را با قلم مرهم‌گذار و هویت آن‌ها را احیا کند.

استاد دانش در ادامه سخنانش دولت‌آبادی را نویسنده پرکار، سخت‌کوش و منظم توصیف کرد و گفت: «شغل همیشگی او خواندن و نوشتن بود.» هم‌چنان وی را آدم متواضع، ساده‌زیست، و دارای آرمان‌های بلند خواننده، طولانی‌نویسی و با جزئیات‌نویسی را از ویژگی‌های نوشتاری او برشمرد. به همین ترتیب به کتاب‌ها، مقاله‌ها، خاطره‌ها و فعالیت‌های وی در نشریات دوره جهاد؛ مانند «حبل‌الله»، «سراج» و «نشریه وحدت نیز اشاره کرد و حضور دولت‌آبادی را برجسته و چشم‌گیر توصیف کرد: «او یک چریک فداکار، یک سرباز شجاع و قلم‌به دست استاد مزاری، راوی رنج و محنت توده‌ها و یکی از احیاگران هویت فرهنگی و تاریخ مردمش بود.»



کوتاه‌مدت جواب‌گو است؛ اما در درازمدت سدی می‌شود در برابر به وجود آوردن عدالت و وحدت ملی. مردم (مردم افغانستان) نمی‌توانند برای عدالت فراگیر دست‌به‌دست هم بدهند و در تأمین آن سعی و تلاش کنند؛ چرا؟ چون هویت‌ها در افغانستان به شدت سیاسی و قومی شده است.

دکتر احمدی، بصیراحمد دولت‌آبادی را روزنامه‌نگار آرمان‌گرا دانست که ده سال تمام جبل‌الله را به گونه‌ای به پیش برد که در آن هرگز نامی از خود نبرد. راه دولت‌آبادی و همراهان وی (استاد دانش، حسین شفایی، شفایی کیو و...) راه عدالت‌خواهانه بود.

هم‌چنان دکتر احمدی زنده‌یاد دولت‌آبادی را به گفته خود وی از ناقلان جنوب دانست و گفت: «اما این که از کجای جنوب بود، خودش به من چیزی نگفت.» به گفته دکتر احمدی، وی شخص آزاده، قناعت‌پیشه، اهل دوستی و رفاقت و صادق بود.

دکتر احمدی در ادامه سخنانش خاطرنشان کرد که هر کسی از ما می‌تواند دولت‌آبادی دیگر شود. می‌تواند راه زرین او را دنبال کند و از خود آثار گران‌بهایی بگذارد. به باور احمدی با به وجود آوردن تأسیسات فرهنگی، تقویت آن و ایجاد ظرفیت می‌توان به چنین آرمانی دست یافت.

سخنران دیگر محفل دین‌محمد جاوید بود که سخنان خود را در سه بخش درباره دولت‌آبادی بیان کرد. وی از چگونگی آشنایی خود شروع کرد و با همکاری‌هایی خود با دولت‌آبادی در «جبل‌الله» ادامه

او معتقد بود که تاریخ سیاسی افغانستان که اساس آن هم بر سلطه قومی استوار بود، با سرکوب‌ها، تبعیض‌ها، ستم‌ها و... همراه بود. حکام و دست‌اندرکاران قدرت سیاسی تلاش می‌کردند که این سلطه‌شان مدام استوار و پابرجا باقی بماند.

به گفته احمدی دولت‌آبادی تلاش کرد که از این نگاه آن زخم‌ها، دردها، ستم‌ها و بی‌چارگی‌های مردم را روایت کند. دکتر احمدی نقش مهم و ارزنده دولت‌آبادی را احیای هویت‌های کتمان‌شده و فراموش‌شده و به فراموشی سپرده‌شده‌ای دانست که توسط هویت حاکم و هویت مسلط به نابودی و فراموشی سپرده می‌شدند. به باور دکتر احمدی مبارزات مردم ما را هم در راستای احیای هویت تفسیر می‌کرد و خود نیز در این عرصه کارهایی زیادی انجام داد. از جمله می‌توان از نوشتن کتاب «احیای هویت»، «شهید عبدالخالق هزاره»، «هزاره‌ها از کتمان هویت تا احیای هویت» نام برد.

به همین ترتیب، دکتر احمدی درباره پیامدهایی سیاسی شدن هویت‌های افغانستان نیز صحبت کرد. به گفته وی درست است که بعد از یک تاریخ سرکوب و تبعیض و قلع‌ووقع شدن، مبارزه‌های هزاره‌ها نتیجه داد و هویت‌شان را احیا کردند؛ اما این تلاش‌ها و تلاش‌های دیگر اقوام هویت را در کشور به شدت سیاسی کردند. سیاسی شدن هویت‌ها از یک سو ضروری است؛ زیرا اقوام می‌توانند به صورت منسجم در راستای عدالت و نظم مبارزه کنند و این در

جواد صالحی سخنران دیگر برنامه، دولت‌آبادی را یکی از سرمایه‌های فکری دانست و اظهار داشت تا وقتی که زنده بود، مرکز تولید اندیشه، فکر، روشنایی و آگاهی بود. به گفته صالحی وی و همراهان وی در شرایطی قلم برداشتند و دست به نوشتن زدند که مردم‌شان از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در سطح پایینی قرار داشتند. او از یک جامعه کاملاً سنتی برخاست و دست به روایت‌گری زد. دکتر صالحی نقش دولت‌آبادی و همراهان و همکاران وی را مؤثر و کارا خوانده و افزود که این‌ها در واقع فرهنگ سیاسی مردم ما را از فرهنگ سیاسی طبیعی به فرهنگ سیاسی مشارکتی تغییر دادند. دعای حجت الاسلام و المسلمین احمدعلی علیزاده، یکی از یاران دولت‌آبادی در «مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان»، پایان‌بخش این محفل بود.

عصمت الطاف گزارشگر بنیاد اندیشه

داد. به گفته جاوید این آشنایی زمینه همکاری را فراهم آورد که پس از آن همواره در قسمت گزارش‌ها و عکس‌های «حبل‌الله» همکاری می‌کرده است.

جاوید دولت‌آبادی را شخصیت صمیمی، فداکار، پرتلاش خوانده گفت: «آقای دولت‌آبادی چنان خطی بود که هیچ وقتی با مسئله‌ای که به خطش بر نمی‌خورد، سرسازگاری نداشت. تفاهم و هم‌پذیری و خیلی از مسائل پیش او اصلاً معنا نداشت. اگر خطش بود، هم‌ریش هم‌سویی می‌کرد، اگر در خطش نبود، می‌گفت به امان خدا.» به گفته جاوید او به رغم خیلی‌های دیگر می‌توانست از منافع خود به راحتی کنار برود؛ اما از منافع جمعی و مردمی و عام هرگز نمی‌گذشت. هم‌چنان آقای جاوید درباره کتاب‌ها و مقاله‌های دولت‌آبادی، خصوصیات و شیوه کار وی در آن‌ها نیز صحبت کرد و از این نگاه آن‌ها را استثنایی دانست.